

غزل شماره ۳۴

- | | | | |
|---|-------------------------------------|---|------------------------------------|
| ۱ | رواق منظر چشم من آشیانه توست | ۱ | کرم نا و فرود آ که خانه خانه توست |
| ۲ | به لطف خال و خط از عارفان ربودی دل | ۲ | لطیفه های عجب زیر دام و دانه توست |
| ۳ | دلت به وصل گل اسی بلبل صبا خوش باد | ۳ | که در چمن همه گلبانگ عاشقانه توست |
| ۴ | علاج ضعف دل ما به لب حوالت کن | ۴ | که این مفرح یاقوت در خزانه توست |
| ۵ | به تن مقصوم از دولت ملازمت | ۵ | ولی خلاصه جان خاک آستانه توست |
| ۶ | من آن نیم که دهم نقد دل به هر شوخی | ۶ | در خزانه به مهر تو و نشانه توست |
| ۷ | تو خود چه لعبتی اسی شھوار شیرین کار | ۷ | که توستنی چو فلک رام تازیانه توست |
| ۸ | چه جای من که بلغزند سپهر شعبده باز | ۸ | از این حیل که در انبان بهسانه توست |
| ۹ | سرود مجلس است اکنون فلک به رقص آرد | ۹ | که شعر حافظ شیرین سخن ترانه توست |



ترج غزل

معانی لغات غزل

رواق: پیشگاه خانه، ایوان جلوی عمارت که چشم انداز دارد، به کس راء پرده‌یی که جلوی درآویزند.

رواق منظر چشم: کنایه از چشم به طور کامل.

لطف: نرمی در کار و کردار، خوشرفتاری و مهربانی.

خط: کرک روئیده گرداگرد لب.

لطیفه: نغز، به غایت نیکو، گفتار نرم و دلپسند، نکته و بذله مؤثر.

دام و دانه: کنایه از خط و خال چهره محبوب.

گلبانگ: آوای نرم و خوش‌آهنگ، آوازی به مانند گل نرم و لطیف.

مفرح: شادی آفرین.

مفرح یاقوت: شربتی که از شراب و قند و سائیده احجار کریمه بویژه یاقوت و مروارید تهیه و به منظور

تقویت و خوش آب و رنگ کردن چهره به مصرف افراد متمکن می رسیده و معمولاً در خزینه محفوظ

نگهداری می شده است.

خزانه: خزینه، گنجینه.

به تن: جسماً.

مقصرم: قادر نیستم، کوتاهی و قصور می کنم.

خلاصه جان: روح خالص، جوهر روح.

شوخ: زیبارو، کنایه از زیبارویان سهل‌الحصول.

لعبت: عروسک، کنایه از معشوق دل‌بند.

شهسوار: سوارکار برگزیده، کنایه از شاه شجاع که به ابوالفوارس ملقب بود.

شیرین کار: ماهر و خوش عمل و ورزیده کار.

توسن: اسب سرکش.

حیل: حيله‌ها و مکرها و ترفندها.

ترانه: سرود، آواز.

بیت اول

گردشگاه چشمان من قرارگاه و آشیانه تست. برمین منت گذار و پیاده شو و قدم به خانه خود نه.

بیت دوم

با خوش رفتاری و مهربانی و زیبایی چهره خود، از دانایان و شناسندگان آگاه دل، دل بردی. وه که چه کشش دلپذیری در زیر دام خال و خط خود برای شکار دلها پنهان کرده ای.

بیت سوم

ای بلبل سحری، امیدوارم که دلت در رسیدن به وصال گل، خوش و شادان باشد، چرا که فضای چمن ار آوای لطیف و نرم و عاشقانه تو پر شده است.

بیت چهارم

ناتوانی و خستگی دل ما را با شربت مفرح یاقوتی که در خزانه لب خود داری مداوا کن.

بیت پنجم

هر چند قادر نیستم که شخصا در خدمت حضور به هم رسانم اما فکر و ذکر و روح و روانم چون خاک درگاهت در اختیار تو است.

بیت ششم

من از آن کسانی نیستم که مرغ دلم هر روز در هوای دلبری به پرواز آید. گنجینه دلم سربه مهر در اختیار تست.

بیت هفتم

شگفتا! تو چه شهسوار ورزیده و شیرین کاری که فلک، رام اراده و فرمانبردار تو شده است.

بیت هشتم

از این ترفند ها که دستاویز رفتار تو است نه من ساده دل که این سپهر حيله گرا هم می توانی فریفت.

بیت نهم

ای محبوب من، حالیا سرود مجلس تو با این ترانه حافظ شیرین سخن، زهره را در آسمان به رقص وا می دارد.

شرح ابیات غزل

وزن غزل: مفاعن فعلاتن مفاعن فعلات

بحر غزل: مجتث مثنی مخبون مقصور

عماد فقیه: تو حاکمی و مرا سر برآستانه تست مکن خرابی ملک دلم که خانه تست

بدون تردید این غزل در زمان شاه شجاع و درهنگامی که او از شیراز به دور بوده است در پاسخ دعوت شاه به پیوستن به او سروده شده است. شاه شجاع که خود اهل شعر و ادب و مجالس شبانه اش از شعرا و سخنوران زینت می یافت در یکی از سفرها (اصفهان یا تبریز) به یاد شاعر شیراز افتاده و به نحوی او را دعوت به سفر و به حضور خود می کند. حافظ این غزل زندانه را در پاسخ شاه مؤدبانه سروده و عذر مسافرت می خواهد.

در بیت اول اشتیاق و آرزوی خود را برای دیدار شاه در شیراز بیان می دارد و می گوید که تو به خانه خودت برگرد و چشم من را روشن کن و در بیت دوم و سوم می گوید تو با لطف کلام و رفتار خود امثال مرا مسحور خویش کرده یی و هرکجا هستی خوش باشی که اینجا همه به یاد تو هستیم و در بیت چهارم و پنجم می فرماید که هرچند من قادر به سفر و فیض حضور تو نیستم، تو این دل مشتاق و آرزومند مرا در شیراز به دیدارت منور کن و در بیت ششم اظهار وفاداری کرده و در ابیات هفتم و هشتم پاسخی زندانه به شاه می دهد و می گوید تو چه آدم زرنگ و ورزیده و ماهری هستی و با این زبان چرب و نرم خود نه من ساده لوح که فلک را هم خواهی فریفت و در بیت نهم به شاه می گوید با ارسال این غزل که در مجلس تو توسط مطربان خوانده می شود یقیناً زهره را در آسمان به رقص خواهی کشاند.

لازم به ذکر است که مضمون بیت چهارم را نظامی در خسرو شیرین قبلا چنین سروده:

از آن یاقوت و آن در شکر خند
مفرح هم تو دانی کرد بر دست
مفرح ساخته سودائیی چند
که هم یاقوت و هم عنبر تو را هست
و یا مضمون بیت پنجم را پیش از او نظامی در لیلی و مجنون چنین پرورش داده است:
گر زانکه تن از تو هست مهجور
و از همه مهمتر مطلع غزل حافظ یعنی مضمون:
در بزن کاین در آستانه اوست
در زد آمد شکر لبی دل‌بند
جانم ز تو نیست یکزمان دور
بی‌گمان شو که خانه خانه اوست
باز کرد آن در رواق بلند

شرح جلالی بر حافظ - دکتر عبدالحسین جلالیان